

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

مرحوم نائینی در تتمه‌ی کلامی که با شیخ داشتند فرمودند به اینکه کشف حکمی ، فرق بین کشف حکمی و کشف حقیقی ، ایشان می‌گویند در کشف حکمی آثاری که ممکن است ترتب ، ترتب از حین عقد ، آثاری که نه ، ایشان بعد ایشان چون این عبارت ایشان دیروز ناقص خواندیم :

أن الإجازة إنما تؤثر ، در صفحه‌ی ۷۲ ؛

عند بقاء محلها، كما إذا لم يتصرف المالك أصلا، أو تصرف تصرفا غير مناف لها، یا تصرف ، مثلا خانه را اجاره داد بعد به او گفتند آقا تو خانه‌ای که اجاره دادی یک آقای قبلا فروخته می‌گوید خوب اشکال ندارد من آن بیع را قبول دارم و این خانه را به اصطلاح به این آقا می‌دهیم این آقا هم اجاره را به آن آقا بدهد آن آقا مالک خانه است ؛

باعها الفضولي، فيجمع بين صحة الإجازة وترتيب آثار ملكية المشتري بأخذ بدل الأجرة من المالك ، البته ایشان به اخذ بدل اجرت گرفت احتمال هم دارد همان اجاره‌ای را که ایشان گفته ، اما اصطلاحشان بیشتر به بدل است ، این هم در رجوع به بدل کلا نزد ما اشکالی هست در فروع آینده روشن می‌شود ؛

وأما لو تصرف بالتصرف المنافي، كالبيع والعق والوطة ونحو ذلك، أو تلفه، أو تلف بنفسه فلا يبقى محل للإجازة، للزوم الدور كما عرفت، من غير فرق بين الجميع .

أما في مورد التلف فلانفساخ العقد به قبل القبض الصحيح ، این را توضیح دادیم ، اگر قبضی هم شده چون قبض صحیح نبوده اجازه نبوده اینجا يحسم من مال مالک ، این شبهه دارد این مطلبی که ایشان گفته روی این قواعدی که آقایان دارند خیلی روشن نیست . به این معنا که آقا کتاب را یک کسی فضولتا به یک شخصی فروخت دو روز قبل و روز بعد کتاب سوخت آتش گرفت کسی سوزاند کتاب را یا دزدید یا تلف شد ، روز بعد به او گفتند کتابت را فروختند گفت من اجازه دادم ، می‌آیند به این آقا می‌گویند آقا اجازه داده ایشان می‌گوید چون قبض شده اما قبض صحیح نبوده قبض صحیح بعد از اجازه است ، ایشان باید می‌گفت قبض ناقص ، صحیح که صحیح است قبضش که مشکل نبود ، بلکه قبض ناقص و این هم مشکلیش این است که دلیل روشنی در آنجا نیست که کل مبیع تلف قبل قبضه فهو من

.....
مال بایعه این دلیل لفظی قوی نیست که حملش بکنیم بر حتما قبض باید قبض صحیح باشد قبض تامی باشد و اینها دلیل روشنی ندارد ، احتمال اینکه آنجا اجازه مؤثر باشد و بگوید کتاب را هم قبض کرده از خودش حساب می شود قبض انجام شده است عقد هم انجام شده است ، اینکه ایشان فرموده لانسفاخ العقد به فکر می کنم خیلی روشن نباشد .

وأما في مورد الإتلاف ، در موردی که اتلاف کرده باشد ، مراد از اتلاف خود مالک اتلاف کرده ؛

فلعدم قابلية التالف لأن يكون ملكا للمجيز فلا تؤثر إجازته ، ایشان از این راه چون تلف شده لذا و لذا بعد اشکال می کند به این مطلب می گوید خیلی خوب تلف شده ایشان خودش اتلاف کرد ، می گوید آقا کتابت را فروختی قبل از دو روز ، روز بعد خود ایشان کتابش را سوزاند خودش تلف کرد ، بعد به او گفتند آقا این کتاب را قبلا یک کسی فروخته بود گفت اجازه دادم ، ایشان مرحوم نائینی اولاً می گویند که خوب اجازه ی چه دادی کتاب را سوزاندی خودت سوزاندی کتاب را ، بعد می گوید :

نعم، لو قيل ببقاء محل الإجازة ، خودش عین باقی نیست لکن محل اجازه باقی است ؛

فالحق الرجوع إلى البدل ، دقت کردید این که ایشان می گوید ایشان از این راه ؛

یکی از حضار : باید یک بیع درست و حسابی قبل قبض معین می کرد تکلیفش را

آیت الله مددی : حالا .

ولو بالتصرف البيعي فضلا عن العتق ؛

نعم، لو قيل ببقاء محل الإجازة فالحق الرجوع إلى البدل ولو بالتصرف البيعي فضلا عن العتق، لا بطلان التصرف، البته این احتمال دارد نعمش برای این اتلاف نباشد ها ، نعمش برای تصرف باشد ، چون ایشان یکی تلف گفت ، یکی تصرف گفت ، یکی هم اتلاف گفت ، این نعم حالا من نعم را برگرداندم به اتلاف ، ممکن است این نعم به اتلاف برنگردد به خصوص تصرف برگردد ؛

نعم، لو قيل ببقاء محل الإجازة ، در خصوص تصرف من حالا به اتلاف برگرداندم شاید مراد نائینی در خصوص تصرف باشد ؛

لا بطلان التصرف، ایشان این جور گفته ، علی ای حال به نظر ما فرقی نمی کند تصرف با اتلاف یکی است هیچ فرقی نمی کند ؛

لأنه ليس من الآثار الممكنة، فإنه وقع من مالكة في محله، فمقتضى نفوذ تصرفه وإجازته جمعا هو الرجوع إلى البدل ، خلاصه ی کلام

ایشان این است از این راه وارد شدند ، این مطلب را هم ایشان سابقا فرمودند .

.....
حالا در تصرف ، در اتلاف هم همین حرف را می شود زد چه فرقی می کند ؟

یکی از حضار : بعضی تصرف ها خیلی تصرف نیست ، یک تصرف

آیت الله مددی : نه فروشی ، فروخت کتاب را ، دو روز قبل کتاب را فضولی فروخت دیروز هم خود ایشان فروخت ایشان می گوید نه نمی گویم بیع دیروزش باطل ، بعد امروز اجازه داد بیع سابق را اجازه داد ، نمی گویم این بیع سابقش باطل است بیعش درست است بدل را باید بدهد وقتی خودش فروخته بدل باید بدهد .

ما عرض کردیم شبهه ای که نزد ما هست اصلا اینجا جای رجوع به فقه نیست یعنی مشککش این است این کار فقیه نیست اینجا بگوید این درست است این درست نیست ، اینجا رجوعش اساسا به موضوع است تو می خواهی اجازه بدهی ، چطور می خواهی اجازه بدهی ؟ که بعد رجوع به بدل بکنی ، اجازه اش اصلا چیست ؟ کتاب را دو روز قبل یکی فروخته ، دیروز هم خودت فروختی ، درست شد ؟ امروز می خواهی اجازه ی دو روز قبل را بدهی ، چه چیزی را اجازه بدهی ؟

یکی از حضار : محلش نیست این .

آیت الله مددی : نه اصلا چه چیزی را می خواهی اجازه بدهی ؟

یعنی اگر بخواهی اجازه بدهی باید اینجوری اجازه بدهی من اجازه می دهم بیع کتاب را با این بیعی که دیروز خود من ، باید اینجور بگوید دیگر ، اینها مثل اینکه لوازم کلام را نگرفتند فقط اجازه دادم ، اجازه دادم که معنا ندارد که . ممکن است مشتری بگوید آقا شما می خواهی اجازه بدهی و چون فروختی باید بدل ، من بدل را قبول ندارم خود کتاب را می خواستم ، دقت کردید ؟

یکی از حضار : شاید در ضمن فروش این هست وقتی که می فروشی می گوید آقا اگر قبلا هم چیزی بوده اتفاق افتاده

آیت الله مددی : آن هیچ ، آن فرض دیگری است ، نه فرض روشن شد ؟

دو روز قبل یک کسی کتاب را فضولی فروخته دیروز هم خودش اصالتا فروخته امروز می گوید اگر اجازه داد بیع فضولی درست است به بدلش برمی گردد ، خوب این روشن نیست این مطلب انصافا خیلی روشن نیست ، اما اینکه تصرفش باطل باشد آن هم روشن نیست ، خودش مالک بوده تصرف کرده است . یعنی اجازه باید لحاظ بکند این شیء را با تمام خصوصیاتش یکی از خصوصیاتش یک روز بعد خودش فروخته این هم باید لحاظ بکند در اجازه .

اینها اجازه را فقط بردند روی بیع دو روز قبل که فضولی انجام داده دیگر هیچ چیزی کانما در وسط واقع نشده است. خوب این باید این قسمت، ممکن است به مشتری بگوید آقا من خودم دیروز فروختم، خوب ممکن است مشتری بگوید تو بیا بیع دیروزت را باطل کن می گوید خوب نمی توانم باطل کنم.

یکی از حضار: اگر اقاله کرد چه؟

آیت الله مددی: اگر اقاله کرد بحث دیگری است، آن اتفاقی است چون قضایای اتفاقی را حساب نمی کنیم.

یکی از حضار: اینکه اصیل دارد این کار را انجام می دهد یک حالت رد ندارد چطوری است؟

آیت الله مددی: خوب این را هم گفت دیگر گفت یحتمل این به منزلهی رد باشد اصلا، دیگر اصلا اجازه معنا ندارد به منزلهی رد است.

یکی از حضار: وقتی اصیل دارد این کار را می کند به منزلهی رد است.

آیت الله مددی: خوب گفت این را سابقا گفت دیگر مرحوم نائینی هم احتمال دادند این را ایشان می گوید نه، ایشان می گوید جمع بین حقین رجوع به بدل بکند.

یکی از حضار: اگر بگوییم این به منزلهی رد است آن وقت اقاله اش هم فایده ندارد.

آیت الله مددی: بله دیگر اقاله فایده ندارد، همین که فروخت آن بیع را رد کرده است، دقت کردید؟

به ذهن ما اجازه فقط مجرد، بعد چون مرحوم، چون امروز نمی رسیم مرحوم نائینی یک بحث اصولی تقریبا مطرح کرده که آیا اجازه از قبیل امارات است از قبیل اصول عملیه است، طبعا در اصول عملیه محرز قرارش داده نه غیر محرز؛ در امارات هم به دو معنا یکی به معنای طریقت یکی به معنای تصویبی بله؟

یکی از حضار: ناظر به واقعیت

آیت الله مددی: ها ناظر به واقع مثل استصحاب، ایشان این بحث را دارد که حدود یک صفحه بعد است که من ان شاء الله فردا اگر بشود بخوانیم امروز که نمی رسیم بحث دیگری دارد و به نظر ما آن بحث هم جایش اینجا نیست، به نظر ما اینطور است خیلی قشنگ وارد می شود گفت مطلب درست است.

خدا رحمت کند مرحوم پدرم نقل می کرد از قول مرحوم آقای سید علی یشری که خوب در نجف ایشان معروف بود به آقای سید علی کاشی شاگرد مرحوم آقا ضیاء بود . می گفت گاه گاهی آقای حکیم می نشست مثلاً یک مطلبی را از آقا ضیاء نقل می کرد ایشان اشکال می کرد من جواب می دادم ، بعد آقای حکیم می گفت سیدنا ان کلامک لطیف یا چه ، این تقریر شما خیلی قشنگ است لکن الاشکال بحاله اشکال حل نشد ، خیلی قشنگ تقریر کردی خیلی قشنگ صحبت کردی اما مطلب حل نشد با تمام قشنگ صحبت کردن بله ان کلامک لطیف یا یک چنین مضمونی لکن الاشکال بحاله ، غرض ایشان خیلی قشنگ وارد این بحث شدند لکن اشکال بحاله ، اشکال حل نمی شود .

پس یک احتمال اینکه فروش ایشان به منزله ی رد باشد که الان فرمودند ، یک احتمال اینکه جمع بکنیم به هر دو ، یکی اینکه تصرف ایشان باطل باشد وقتی اجازه می دهد بیع دیروزش باطل باشد ، یک احتمال هم این است که جمع بکنیم بین هر دو ، اجازه اش درست باشد بدلش ، مراجعه به بدلش کند .

بگویند خوب کتاب را دیروز فروختی بگویند امروز قیمت کتاب را به تو می دهم یا اگر عین کتاب در خارج هست مثلش هست می خرم به تو می دهم دقت می کنید ، بدلش را به او بدهد . لکن انصافش مشکل است ممکن است مشتری اصلاً بدل را قبول نکند ، آنچه که اجازه می خواهد بیاید اجازه باید بیاید با تمام خصوصیات ، ببیند اصلاً بعضی از خصوصیات اصلاً ، فقط همان بیع سابق را اجازه در نظر گرفته خوب باید اگر اجازه بدهد باید با این نکته این یک بیعی است که من می خواهم اجازه بدهم دیروز خودم فروختم

یکی از حضار : اگر مشتری اجازه بدهد شما می گوید دست خودش است اجازه داد درست است

آیت الله مددی : بله اگر مشتری اجازه داد بحث دیگری است

یعنی بعبارة اخرى به قصد طرفین برمی گردد فقیه معین نمی کند آخر ایشان می گوید فقیه می گوید نه مشتری اجازه بدهد یا ندهد ، درست است ، ما می گوییم نه اینجا موضوع تاثیر گذار است می گوید آقا خودم می خواهم اجازه بدهم اما دیروز فروختم این را می گوید بیا برگردان می گوید نمی توانم بیع تمام است ، می خواهی حالا بدلش را به تو بدهم می گوید نه بدلش را نمی خواهم ، خود کتاب را می خواهم ، این برمی گردد به موضوع اصلاً ، چون اجازه تاثیرش این است ، عقد را که می خواهد اجازه بدهد با تمام خصوصیات می خواهد اجازه بدهد نه فقط وقوع عقد را نگاه بکند دقت می کنید نکته را ؟

یکی از حضار : اگر اختلاف پیش آمد بینشان چه ؟

متن کامل مطابق با صوت دروس خارج فقه حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

شنبه - ۱۴۰۳/۱۱/۲۰ - ۲۰۲۵/۰۲/۰۸

موضوع: خارج فقه - مکاسب بیع فضولی

جلسه: ۵۴

صفحه ۶

آیت الله مددی : نافذ نمی شود دیگر .

یکی از حضار : نه بالاخره رفته نزد قاضی

آیت الله مددی : نزد قاضی نافذ است دیگر بیع ثابت نشده است ، اساس و فساد در عقود می آید دیگر .

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين